

رابطه بین دلبستگی به خدا با بهزیستی روان‌شناختی و نقش واسطه‌ای احساس شرم و گناه

سید جواد خرم روز، قوام ملتفت*، محمدرضا فیروزی

گروه روانشناسی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران

تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۵/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۱۱

چکیده:

زمینه و هدف: بهزیستی نوعی احساس مثبت و رضایت‌مندی عمومی از خود و دیگران در حوزه‌های مختلف می‌باشد که داشتن بهزیستی بالا می‌تواند منجر به پویاتر شدن جامعه گردد. هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین دلبستگی به خدا و بهزیستی روان‌شناختی به واسطه احساس شرم و گناه بود.

روش بررسی: پژوهش حاضر از نوع توصیفی و همبستگی است که به شکل معادلات ساختاری انجام گرفته است. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دانشگاه یاسوج که در سال تحصیلی ۹۶_۹۵ مشغول به تحصیل بودند که از میان آنها ۲۸۴ دانشجو (۱۲۰ پسر و ۱۶۴ دختر) دانشکده‌های یاسوج به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب و به پرسشنامه‌های دلبستگی به خدا (ATGI) کریک پاتریک، پرسشنامه بهزیستی روان‌شناختی (QEWB) آلن واترمن و پرسشنامه احساس شرم و گناه (GASP) پاسخ دادند. داده‌ها با استفاده از آزمون‌های آماری معادلات ساختاری تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: مدل اندازه‌گیری نشان داد که متغیرهای آشکار (توجه به خدا، اعتماد به خدا، توکل به خدا، ارتباط با خدا، به خوبی متغیرهای نهان (دلبستگی به خدا و احساس شرم و گناه) را اندازه‌گیری می‌کند و مدل اندازه‌گیری نیز از برازش مطلوبی برخوردار است. همچنین نتایج مدل ساختاری نیز نشان داد که بهزیستی روان‌شناختی تحت تأثیر دلبستگی به خدا و احساس شرم و گناه قرار دارد. بدین صورت که دلبستگی به خدا به طور مستقیم با ضریب بر بهزیستی اثر دارد و با ضریب ۵۵ درصد بر احساس شرم و گناه نیز اثر دارد. همچنین احساس شرم و گناه به صورت منفی بر بهزیستی روان‌شناختی با ضریب ۷۰ درصد اثر دارد و احساس شرم و گناه توانسته نقش واسطه‌ای ایفا کند.

نتیجه‌گیری: این یافته‌ها ما را نسبت به عوامل دلبستگی به خدا و احساس گناه و شرم که بر بهزیستی اثر می‌گذارد، آگاه می‌نماید و دلبستگی به خدا می‌تواند منجر به افزایش بهزیستی روان‌شناختی گردد.

واژه‌های کلیدی: دلبستگی به خدا، بهزیستی روان‌شناختی، احساس شرم و گناه.

نویسنده مسئول: قوام ملتفت، یاسوج، دانشگاه یاسوج، گروه روانشناسی

Email: moltafet@yu.ac.ir

مقدمه

معنی لغوی بهزیستی یک حالت رضایت از شاد بودن، سلامتی و موفقیت است که به تجربه و عملکرد روان‌شناختی مطلوب اشاره می‌کند (۱). احساس بهزیستی هم دارای مؤلفه‌های عاطفی و هم مؤلفه‌های شناختی است. بهزیستی روان‌شناختی به کیفیت زندگی به دست آمده از رشد بهترین پتانسیل فرد و کاربرد این پتانسیل در جهت تحقق اهداف خود در زندگی اشاره می‌کند (۲). بهزیستی روان‌شناختی در جنبه‌های مختلف زندگی افراد، هم‌چون؛ پذیرش اجتماعی، داشتن رابطه با افراد، صمیمیت، احساس کارآمدی و برخورداری از جایگاه‌های اجتماعی سهم بسزایی دارد و به معنای قابلیت یافتن تمام استعدادها و فرد است و یکی از عواملی است که با بهزیستی روان‌شناختی ارتباط نزدیکی دارد (۳). سلامت یک مفهوم چند بعدی است که علاوه بر نبود بیماری، احساس شادکامی و بهزیستی را نیز در برمی‌گیرد. اغلب روان‌پزشکان، روان‌شناسان و پژوهشگران بهداشت روانی جنبه‌های مثبت سلامت را نادیده می‌گیرند. تلاش‌هایی که در جهت گذر از الگوهای سنتی سلامتی صورت گرفته گرچه زمینه لازم را برای تلقی سلامت به عنوان حالتی از بهزیستی و نه صرفاً نبود بیماری فراهم ساخته، ولی کافی نیست. قرن بیست و یکم روانشناسی متوجه این امر شده است که انسان باید انرژی عقلانی خود را صرف جنبه‌های مثبت تجربه‌اش کند (۴). چون در آغاز روان‌شناسی بیشتر بر هیجان‌های منفی مانند

اضطراب و افسردگی تمرکز داشت تا بر هیجان‌های مثبت مانند شادکامی و رضایت و متون علمی در مقایسه با لذت بیشتر در مورد رنج بود تا لذت (۵)، ولی امروزه پژوهش در باره بهزیستی و روان‌شناسی مثبت‌گرا به طور روز افزون در حال رشد است (۶ و ۷). این تغییر رویکرد موجب شد روان‌شناسان این گروه در توصیف و تعریف سلامت روانی بیشتر از اصطلاح بهزیستی روان‌شناختی که بیشتر دارای بار مثبت است، استفاده کنند (۸ و ۹). عوامل مختلفی بهزیستی روان‌شناختی را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ از جمله آن‌ها دلبستگی به خدا^۱ و احساس شرم و گناه^۲ است. بررسی نقش دین‌داری در افزایش ظرفیت‌های آدمی همواره مورد تأکید رویکرد روان‌شناسی مثبت‌گرا بوده است (۹). باورهای معنوی و دلبستگی به یک وجود متعالی در ارتقای سلامت روانی و افزایش بهزیستی روانی افراد نقش بسزایی دارد. در این ارتباط فابریکاتور و همکاران نشان دادند که بین هوش معنوی و بهزیستی روان‌شناختی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد (۷). هم‌چنین دلبستگی به خدا می‌تواند روی هیجان‌ها تأثیر بگذارد. امروزه هیجان‌ها را از یک منظر، به خودآگاه (نظیر؛ غرور، امید، شرم و گناه) و ناخودآگاه (نظیر؛ ترس، خشم و اضطراب) و از منظر دیگر به هیجان‌های فردی و اجتماعی - اخلاقی تقسیم کرده‌اند. از جمله هیجان‌های خودآگاه اخلاقی و هیجان شرم و

1-Attachment to God
2-Sense of Guilt & Shame

گناه، در سال‌های اخیر توجه محققان را به خود جلب کرده اند. شرم و گناه از هیجان‌ات کلیدی انسان هستند و در سطوح فردی و ارتباطات اجتماعی کارکرد مهمی دارند. تجربه شرم و گناه به عنوان هیجان‌های اخلاقی، در شمار درونی‌ترین و خصوصی‌ترین تجارب هیجانی خودآگاه قرار می‌گیرند. آن چه بعد از احساس گناه در فرد به وجود می‌آید، نوعی گرایش برای جبران و کم کردن خسارت‌های ایجاد شده است. شرم هیجان اخلاقی دیگری است که در کنار احساس گناه مطرح است. این هیجان پس از یک خطای اخلاقی یا بعد از تظاهرات ناشایستگی بروز می‌کند (۱۰).

حیدری و کورش‌نیا در تحقیقی به این نتیجه رسیدند که بین نگرش دینی و بهزیستی روان‌شناختی رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد (۱۱). کار در پژوهشی دریافت معنویت و اعتقاد به خداوند بر بهزیستی روان‌شناختی افراد تأثیر مثبت و معنی‌دار وجود دارد (۱۲). افراد دین‌دار، به سه دلیل روان‌شناختی دارای شایستگی‌های بیشتری می‌باشند؛ اول این که، دین یک سامانه باور منسجم ایجاد می‌کند که باعث می‌شود افراد برای زندگی معنا پیدا کنند و به آینده امیدوار باشند. باورهای معنوی به آدمی امکان می‌دهد که به نامالیقات، فشارهای روانی و فقدان‌های گریز ناپذیر که در زندگی رخ می‌دهند معنا دهند و به زندگی بعدی که همراه با آرامش است امیدوار و خوش بین باشند. دوم این که، حضور در امور مذهبی، برای افراد حمایت اجتماعی فراهم می‌آورد. سوم این که، دلبستگی به یک وجود متعالی و باورهای دینی

اغلب با سبک زندگی سالم‌تر همراه است عده‌ای از محققین به این نتیجه رسیدند که برداشت اکثر افراد از دین، داشتن رابطه‌ای نزدیک با خداست و نه صرفاً مجموعه‌ای از باورها و اعمال. به همین دلیل در سال‌های اخیر مفهوم دلبستگی به خدا به عنوان یکی از نمادهای دین داری که در بهبود زندگی افراد مؤثر است، مطرح شده است (۸). طی دهه گذشته اقبال و توجه به مطالعه و بررسی هیجان‌ات خودآگاه از جمله دو هیجان شرم و گناه افزایش یافته است (۹). احساس شرم و احساس گناه از جمله هیجان‌های خودآگاه اخلاقی هستند که پس از یک خطای اخلاقی رخ می‌دهند و در سطوح فردی و ارتباطی، کارکرد ویژه‌ای دارند. از آن جا که در شرم و گناه «خود» درگیر ارزیابی است، شرم و گناه هیجان‌اتی خود آگاه هستند و از آن جهت که این هیجان‌ات در پرورش رفتار اخلاقی نقش مهمی بر عهده دارند، در زمره هیجان‌های اخلاقی قرار می‌گیرند (۱۰). هیجان‌های اخلاقی آن دسته از هیجان‌هایی هستند که در رابطه با امر اخلاقی تعریف می‌شوند. به دیگر سخن، این هیجان‌ها به بهزیستی و علاقه به سایرین مربوط می‌شوند (۱۱). احساس گناه با تعمیم راه‌حل‌های مثبت برای مسایل بین فردی و خودکارآمدی (۱۲)، بهزیستی روانی و سازگاری روان‌شناختی، خودتنظیمی و بهزیستی دارای همبستگی مثبت است (۱۳). پژوهش‌ها نشان داده است یکی از عواملی که با بهزیستی روان‌شناختی ارتباط نزدیکی دارد، مفهوم مذهب، و به طور کلی

روان‌شناختی فرد رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد (۱۶).

ماورین مینر و همکاران در پژوهشی به بررسی رابطه دلبستگی به خدا و ارضای نیازهای روان‌شناختی با بهزیستی روان‌شناختی پرداختند، نتایج نشان دادند که دلبستگی ایمن به خدا و ارضای نیازهای روان‌شناختی پیش‌بینی کننده مثبت بهزیستی روان‌شناختی بودند. با توجه نقش بهزیستی روان‌شناختی در سلامت روانی دانشجویان، هدف این پژوهش ارزیابی تئوری از بهزیستی روان‌شناختی براساس دلبستگی به خدا و احساس شرم و گناه است (۱۷).

جوکار و کمالی در پژوهشی به بررسی رابطه معنویت و احساس شرم و گناه پرداختند و نتایج حاکی از آن بود که معنویت، احساس گناه را به صورت مثبت و احساس شرم را به صورت منفی پیش‌بینی می‌کند (۱۸). در مجموع با توجه به پژوهش‌های انجام شده پژوهش حاضر در صدد آن است تا یافته‌های پراکنده در حوزه‌های دلبستگی به خدا، احساس شرم و گناه و بهزیستی روان‌شناختی را یکپارچه کند و به بینش جدیدی دست یابد، لذا مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که آیا دلبستگی به خدا با بهزیستی روان‌شناختی رابطه دارد؟ و آیا احساس شرم و گناه در رابطه میان دلبستگی به خدا و بهزیستی روان‌شناختی نقش واسطه‌ای ایفا می‌نماید.

جهت‌گیری مذهبی یا دلبستگی به خدا به طور اخص می‌باشد. در همین راستا بخشی و همکاران در پژوهشی به بررسی رابطه بهزیستی روان‌شناختی با نگرش دینی، عزت نفس و سرسختی روان‌شناختی بین دانشجویان پرداختند؛ نتایج نشان داد که بین نگرش دینی، عزت نفس، سرسختی روان‌شناختی و بهزیستی روان‌شناختی رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد و نگرش دینی مبنایی برای افزایش بهزیستی روان‌شناختی است (۱۴). مری وارگس در پژوهشی به بررسی دلبستگی به خدا با بهزیستی روان‌شناختی با واسطه احساس شرم و گناه و خود شفقتی پرداخت که نتایج زیر حاصل شد، احساس شرم و گناه به طور معنی‌داری واسطه بین دلبستگی ناایمن به خداوند و بهزیستی روان‌شناختی بود. احساس شرم و گناه به طور معنی‌دار واسطه بین دلبستگی اجتنابی به خدا و بهزیستی روان‌شناختی بودند. دلبستگی به خدا با بهزیستی روان‌شناختی رابطه مثبت دارد. احساس گناه هم در دلبستگی اجتنابی و هم در دلبستگی ناایمن به طور مثبت با بهزیستی روان‌شناختی رابطه دارد. احساس شرم در دلبستگی اجتنابی با بهزیستی رابطه منفی دارد (۱۵).

اف اکازی در پژوهشی تحت عنوان دلبستگی به خدا و تأثیر آن بر بهزیستی روان‌شناختی فرد با انجام اعمال مذهبی در بین دانش‌آموزان مدرسه دینی پرداخت و دریافت که بین دلبستگی به خدا با بهزیستی

روش بررسی

این پژوهش از نوع توصیفی و همبستگی است که در آن دل‌بستگی به خدا به عنوان متغیر برون‌زاد و متغیر احساس گناه و شرم به عنوان متغیر واسطه‌ای و بهزیستی روانشناختی به عنوان متغیر درون‌زاد در نظر گرفته شده‌اند جامعه آماری پژوهش شامل تمام دانشجویان دانشگاه یاسوج بود که در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ مشغول به تحصیل بوده‌اند و با استفاده بر اساس جدول مورگان ۳۱۲ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری از نوع تصادفی خوشه‌ای، به عنوان نمونه مورد مطالعه انتخاب شدند. روش کار به این صورت بود که ابتدا، به صورت تصادفی از بین کلیه کلاس‌های چهار دانشکده دانشگاه یاسوج (علوم انسانی، علوم پایه، فنی و مهندسی و کشاورزی) دو کلاس به صورت تصادفی انتخاب شد و تمام اعضای کلاس عنوان نمونه مورد بررسی قرار گرفتند. در مجموع از ۸ کلاس ۳۱۲ نفر پرسشنامه‌ها را تکمیل کردند که ۲۸ پرسشنامه به دلیل پر نکردن کامل کنار گذاشته شدند. بنابراین در مجموع ۲۸۴ دانشجو (۱۲۰ پسر و ۱۶۴ دختر) به عنوان نمونه آماری در پژوهش حاضر شرکت داشتند.

ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه بود، پرسش نامه دل‌بستگی به خدا بک و مک دونالد (۱۹) دارای ۲۴ سؤال پنج گزینه‌ای بوده (کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) می‌باشد که محتوای سؤالات در باره ارتباط فرد با خدا بوده و هر شخص با توجه به نوع ارتباط خودش با خدا باید یکی از این گزینه‌ها را پاسخ

دهد این مقیاس چهار عامل توجه به خدا (۸ سوال)، اعتماد در برابر عدم اعتماد (۵ سوال)، توکل (۵ سوال) و ارتباط با خدا (۶ سوال) را ارزیابی می‌کند. نمره گذاری پرسشنامه براساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای و از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم است. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای پایایی ابعاد اجتناب از صمیمیت و اضطراب از طرد به ترتیب برابر با ۰/۸۴ و ۰/۸۱ به دست آمد.

پرسشنامه بهزیستی روانشناختی را آلن واترمن (۲۰) طراحی کرد که شامل شش عامل کشف خود، کشف بهترین پتانسیل درونی خود، درک هدف و معنا در زندگی، تلاش برای بهتر بودن، درگیر فعالیت شدن و لذت بردن از کارهایی که انجام می‌دهد، بود. نمره‌گذاری پرسشنامه براساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای و از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم است. چهارده سوال آن به صورت مثبت و هفت سوال آن به صورت منفی می‌باشد. این پرسشنامه از همسانی درونی مطلوبی برخوردار است، آلن واترمن ضریب آلفای آن را ۰/۸۶ گزارش کرده است. احمدی و همکاران در پژوهش خود از آلفای کرونباخ برای تعیین پایایی پرسشنامه استفاده کردند که ضریب به دست آمده ۰/۸۹ بود (۱۵).

پرسشنامه احساس شرم و گناه به وسیله تایا کوهن و همکاران طراحی شد (۲۱). آزمون عاطفه خودآگاه یک ابزار خودسنجی و مداد کاغذی است که ۱۶ موقعیت (سناریو) شرایط زندگی روزمره را به آزمودنی ارائه می‌کند و پاسخ دهندگان، پاسخ‌های

خود و کناره‌گیری به خاطر احساس شرم) ذکر شده است. در متغیر دلبستگی به خدا میانگین و انحراف معیار به ترتیب ۸۳/۵۸ و ۱۳/۵۲۹ می‌باشد و همچنین میانگین و انحراف معیار زیر مقیاس‌های دلبستگی به خدا (یعنی توجه به خدا، اعتماد در مقابل بی‌اعتمادی، توکل به خدا و ارتباط با خدا) ذکر شده است جدول ۱.

بر اساس نتایج جدول ۲ مشاهده می‌شود که، بین دلبستگی به خدا (یعنی توجه به خدا، اعتماد در مقابل بی‌اعتمادی، توکل به خدا و ارتباط با خدا) و بهزیستی روان‌شناختی رابطه ($r = 0.520$ و $p < 0.01$) معنی‌داری وجود دارد و در میان خرده‌مقیاس‌های دلبستگی به خدا، بهزیستی روان‌شناختی بیشترین رابطه را با ارتباط با خدا دارد، بین احساس شرم و گناه (یعنی ارزیابی منفی رفتار، جبران گناه، ارزیابی منفی خود و کناره‌گیری به خاطر احساس شرم) و بهزیستی روان‌شناختی ($r = 0.616$ و $p < 0.01$) رابطه معنی‌داری وجود دارد و در میان خرده‌مقیاس‌های احساس شرم و گناه، بهزیستی روان‌شناختی بیشترین رابطه را با ارزیابی منفی خود دارد و در آخر بین دلبستگی به خدا (یعنی توجه به خدا، اعتماد در مقابل بی‌اعتمادی، توکل به خدا و ارتباط با خدا) و احساس شرم و گناه (یعنی ارزیابی منفی رفتار، جبران گناه، ارزیابی منفی خود و کناره‌گیری به خاطر احساس شرم) رابطه معنی‌داری وجود دارد ($r = 0.484$ و $p < 0.01$). در ادامه شاخص برازش مدل به همراه مدل نهایی پژوهش در جدول ۳ آورده شده است.

شاخص‌های کلی برازش مدل نشان می‌دهد که مدل معادله ساختاری تدوین شده قابل قبول است.

هیجانی و رفتاری خویش و احتمال پاسخ خود به آنها را رتبه می‌دهند. نمره‌گذاری پرسشنامه براساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای و از «هرگز تا خیلی زیاد» است. پایایی این پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای مقیاس شرم ۰/۸۱ و برای احساس گناه ۰/۷۸ گزارش شده است. این پرسشنامه چهار عامل ارزیابی منفی احساس گناه (۴سوال)، جبران گناه (۴عامل)، ارزیابی منفی شرم (۴سوال)، عقب‌نشینی کردن از شرم (۴عامل) را می‌سنجد. جوکار و کمالی در پژوهش خود به منظور تعیین پایایی مقیاس از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که ضرایب الفای کرونباخ حاصل شده که با استفاده از نرم‌افزار SPSS محاسبه شده بود برای احساس گناه و احساس شرم به ترتیب ۰/۸۳ و ۰/۵۱ گزارش کردند (۱۷). ذکر این نکته الزامی است با توجه به نظام نمره‌گذاری در مقیاس مذکور نمرات بالاتر به معنی احساس شرم و گناه کمتر می‌باشد.

داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS و نرم‌افزار آماری AMOS تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها

در متغیر بهزیستی روان‌شناختی میانگین و انحراف معیار به ترتیب ۸۲/۳۶ و ۱۱/۰۸۷ بود، در متغیر احساس شرم و گناه، میانگین و انحراف معیار به ترتیب ۵۹/۲۰ و ۷/۳۹۰ می‌باشد، و همچنین میانگین و انحراف معیار زیر مقیاس‌های احساس شرم و گناه (یعنی ارزیابی منفی رفتار، جبران گناه، ارزیابی منفی

نسبت کای اسکوار مدل به درجه آزادی (CMIN/DF) ۰/۵۸ می‌باشد، شاخص تطبیقی TLI بالاتر از ۰/۵۰ را نشان می‌دهد که به معنی توان مدل در فاصله گرفتن از یک مدل استقلال و نزدیک شدن به مدل اشباع شده بر اساس معیارهای تعریف شده است، شاخص برازش مقتصد، شاخص RMSEA نیز برابر با مقدار ۰/۰۳ در دامنه مورد قبول قرار دارد. این شاخص که با ترکیبی از خصایص شاخص‌های مطلق، شاخص‌های مقتصد (تأکید بر درجه آزادی) و حجم نمونه محاسبه می‌شود یکی از مهم‌ترین شاخص‌های برازش مدل محسوب می‌شود و مقدار بالاتر از ۰/۹۰ برای شاخص CFI نیز حاکی از قابل قبول بودن مدل است. شکل (۱) مدل معادلات ساختاری دلبستگی به خدا، احساس شرم و گناه و بهزیستی روانشناختی در حالت تخمین استاندارد را نشان می‌دهد. نتایج مدل اندازه‌گیری نشان می‌دهد که متغیرهای مشاهده شده به خوبی بیانگر متغیر مکنون

می‌باشد بدین صورت که مولفه‌های ارتباط با خدا و توکل به خدا با ضریب ۰/۷۷، اعتماد با ضریب ۰/۶۸ و توجه به خدا با ضریب ۰/۵۸ بخوبی عامل دلبستگی به خدا را تشکیل می‌دهد. مولفه‌های ارزیابی منفی رفتاری با ضریب ۰/۵۷، جبران گناه با ضریب ۰/۴۷ ارزیابی منفی از خود با ضریب ۰/۷۹ و در نهایت کناره‌گیری با ضریب ۰/۷۸ بخوبی متغیر مکنون احساس گناه را می‌سنجد. در ارتباط با مدل ساختاری نتایج نشان داد بیشترین اثر مربوط به دلبستگی به خدا بر روی احساس شرم و گناه بوده (۵۸٪). همچنین ضریب مسیر احساس شرم و گناه بر روی بهزیستی روان‌شناختی (۵۶٪) می‌باشد و مسیر دلبستگی به خدا بر بهزیستی روان‌شناختی (۲۴٪) است. با توجه به ضرایب مستقیم دلبستگی به خدا بر بهزیستی و اثران از روی احساس گناه ضریب غیر مستقیم دلبستگی به خدا بر بهزیستی ۰/۳۲ می‌باشد.

جدول ۱: میانگین، انحراف معیار نمره آزمودنی‌ها در متغیرهای تحقیق

میانگین	انحراف معیار	
۸۲/۳۶	۱۱/۰۸۷	بهزیستی روان‌شناختی
۵۹/۲۰	۷/۳۹۰	احساس شرم و گناه
۱۲/۳۳	۲/۳۱۸	ارزیابی منفی رفتار
۱۴/۸۷	۲/۵۱۴	جبران گناه
۱۵/۴۷	۲/۴۳۲	ارزیابی منفی خود
۱۵/۲۴	۲/۵۸۳	کناره‌گیری به خاطر احساس شرم
۳۰/۹۹	۴/۵۲۱	احساس شرم
۲۸/۲۰	۳/۷۸۹	احساس گناه
۸۳/۵۸	۱۳/۵۲۹	دلبستگی به خدا
۲۴/۷۵	۵/۳۲۳	توجه به خدا
۱۹/۰۸	۳/۶۰۰	اعتماد در مقابل بی‌اعتمادی
۱۸/۶۰	۴/۰۲۰	توکل به خدا
۲۱/۱۴	۴/۶۸۴	ارتباط با خدا

جدول ۲: نتایج آزمون ماتریس همبستگی پیرسون بین بهزیستی روان‌شناختی با دلبستگی به خدا (با ابعاد آن) و احساس شرم و گناه (با ابعاد آن).

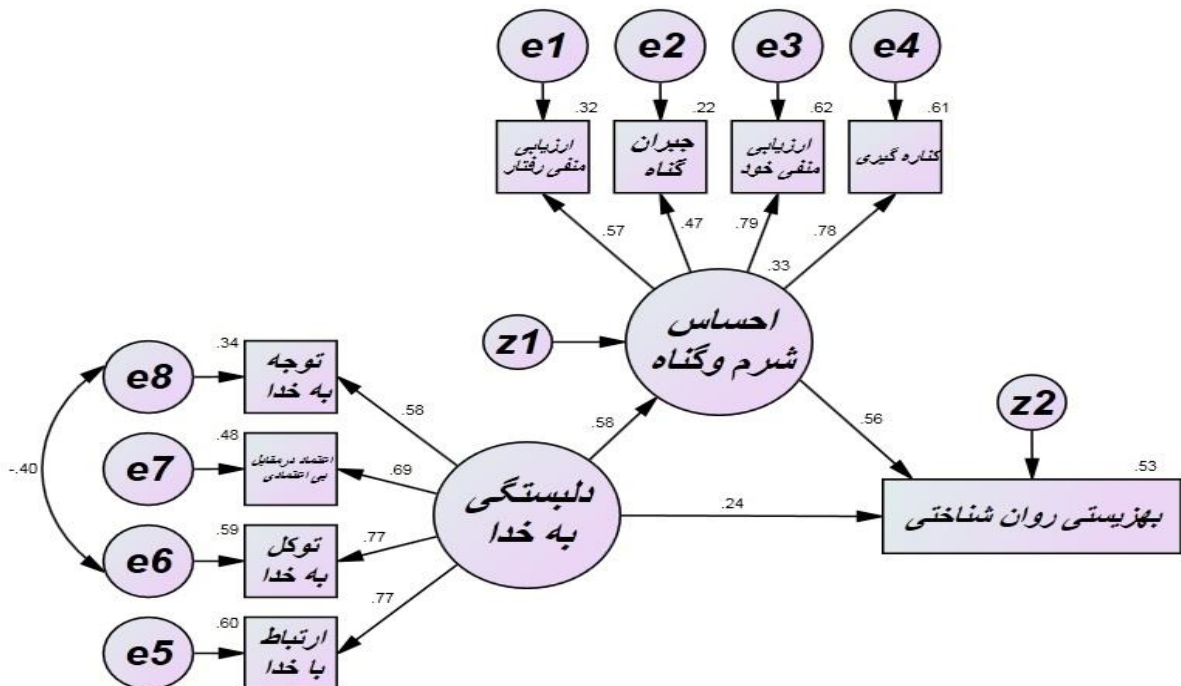
ارتباط با خدا	توکل به خدا	اعتماد در مقابل بی‌اعتمادی	توجه به خدا	احساس گناه	احساس شرم	احساس شرم و گناه	کناره‌گیری	ارزیابی منفی خود	جبران گناه	ارزیابی منفی رفتار	بهزیستی روان‌شناختی
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۰/۴۲۲**
-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۰/۲۲۹**	۰/۳۲۵**
-	-	-	-	-	-	-	-	-	۰/۳۹۰**	۰/۴۱۷**	۰/۵۵۵**
-	-	-	-	-	-	-	-	۰/۶۲۲**	۰/۳۸۶**	۰/۴۳۳**	۰/۵۳۳**
-	-	-	-	-	-	-	۰/۸۲۶**	۰/۸۱۱**	۰/۶۷۶**	۰/۶۸۳**	۰/۶۱۶**
-	-	-	-	-	-	۰/۹۰۸**	۰/۹۰۷**	۰/۸۹۵**	۰/۴۳۱**	۰/۴۷۸**	۰/۶۰۴**
-	-	-	-	-	۰/۵۷۸**	۰/۸۶۶**	۰/۵۲۸**	۰/۵۱۲**	۰/۸۰۲**	۰/۷۶۴**	۰/۴۸۱**
-	-	-	-	۰/۳۰۵**	۰/۲۹۹**	۰/۳۳۹**	۰/۲۷۲**	۰/۲۶۵**	۰/۳۳۲**	۰/۲۴۶**	۰/۳۳۲**
-	-	-	۰/۴۴۶**	۰/۲۸۵**	۰/۳۱۲**	۰/۳۲۷**	۰/۲۸۶**	۰/۲۷۷**	۰/۱۳۷*	۰/۳۱۷**	۰/۳۹۳**
-	-	۰/۵۴۲**	۰/۲۴۲**	۰/۱۸۸**	۰/۳۱۳**	۰/۲۸۸**	۰/۲۹۵**	۰/۲۶۸**	-۰/۰۰۱	۰/۳۰۹**	۰/۴۱۲**
-	۰/۶۱۳**	۰/۴۹۱**	۰/۴۱۷**	۰/۴۲۱**	۰/۴۷۷**	۰/۵۰۸**	۰/۲۶۸**	۰/۴۹۵**	۰/۵۳۵**	۰/۴۱۴**	۰/۴۶۹**
۰/۸۲۳**	۰/۷۴۹**	۰/۷۷۳**	۰/۷۲۹**	۰/۳۹۷**	۰/۴۵۹**	۰/۴۸۳**	۰/۳۹۹**	۰/۴۲۹**	۰/۲۱۵**	۰/۴۱۶**	۰/۵۲۰**

** Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

* Correlation is significant at the 0.05 level (2-tailed).

جدول ۳: شاخص‌های برازش مدل.

AGFI	RMSEA	CFI	PCFI	TLI	CMIN/DF	P	DF	CMIN
۰/۹۸	۰/۰۰۰	۱	۰/۵۰	۱	۰/۵۸۳	۰/۰۰۰	۵	۲/۹۱۷



شکل ۱: مدل نهایی دلبستگی به خدا و بهزیستی روان‌شناختی با واسطه احساس شرم و گناه

بحث

بین دل‌بستگی به خدا با بهزیستی روانشناختی ارتباط مثبت و معنی‌دار وجود دارد به این معنی که هر کس در دل‌بستگی به خدا نمره بیشتری کسب کند از بهزیستی روانشناختی بهتر و مطلوب‌تری برخوردار است. این یافته پژوهش با نتایج اکثر پژوهش‌های انجام شده در این زمینه هم‌خوانی دارد. بتول بخشی و همکاران (۱۴) در پژوهش خود به رابطه مثبت و معنی‌دار بین بهزیستی روانشناختی و نگرش دینی دست پیدا کردند و نتیجه گرفتند برای ارتقا بهزیستی روانشناختی در بین دانشجویان باید نگرش دینی بین آن‌ها را ارتقا داد. مری و ارگس (۱۵) در پژوهشی به ارتباط مثبت و معنی‌دار بین دل‌بستگی به خدا با بهزیستی روانشناختی دست پیدا کرد. باورهای معنوی و دل‌بستگی به یک وجود متعالی در ارتقای سلامت روان و افزایش بهزیستی روانی نقش بسزایی دارد. معنویت یک سامانه باور منسجم ایجاد می‌کند که سبب می‌شود افراد برای زندگی معنا پیدا کنند و کمتر دچار آشفتگی‌های روانی گردند، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت با بهبود دل‌بستگی به یک موجود باری تعالی (خدا) سبب بهبود بهزیستی روان شناختی شد که خود باعث کاهش افسردگی و اضطراب و داشتن یک زندگی سالم می‌شود این نتایج با پژوهش سیمایی (۲۲) هم‌سو و هم‌جهت است. همچنین نتایج این فرضیه با پژوهش حیدری و همکاران هم‌خوانی دارد، آن‌ها دریافتند بین هوش معنوی و دل‌بستگی به خدا با بهزیستی روانشناختی رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد به این معنی که هرکس از هوش معنوی و دل‌بستگی به خدا مطلوب‌تری برخوردار باشد از

بهزیستی مطلوب‌تری برخوردار است و می‌تواند زندگی سالم و مطلوبی داشته باشد و برای خود و اجتماع مفید باشد (۶). یافته‌های پژوهش نشان داد که بین احساس شرم و گناه و بهزیستی روانشناختی رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. ذکر این نکته لازم است که ابزار احساس گناه به صورت منفی نبود یعنی هر کس که بتواند ارزیابی جدی از رفتار خودش داشته باشد از جنبه‌های منفی کناره‌گیری می‌کند به همین دلیل کناره‌گیری از موقعیت گناه و تلاش جبرانی به صورت مثبت با بهزیستی روانشناختی در ارتباط است. گرچه پژوهش‌های انجام شده در این زمینه اندک بود، اما پژوهش‌هایی که با این فرضیه همپوشی دارد نشان داد که با فرضیه دوم هم‌سو و هم‌جهت هستند؛ جوکار و همکاران (۱۸) نشان دادند که بین احساس شرم و گناه با شادکامی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد، این به آن معنی است که هرکس از انجام کار اشتباهی احساس گناه و شرم کند از بهزیستی روانشناختی مطلوبی برخوردار است. مری و ارگس (۱۵) بین احساس گناه با بهزیستی به رابطه‌ای مثبت و معنی‌دار دست پیدا کرده است، اما بین احساس شرم و بهزیستی به ارتباط منفی دست پیدا کرده است، به این معنی که هرکس از انجام کاری احساس گناه کند از بهزیستی روانشناختی مطلوبی برخوردار است، اما کسی که از انجام عملی احساس شرم کند، بهزیستی روانشناختی نامطلوبی را تجربه می‌کند، شاید این نتایج متفاوت بین این فرضیه پژوهش با پژوهش‌های قبلی انجام شده در این زمینه را به تفاوت‌های فرهنگی و محدودیت‌های پژوهش نسبت داد. همچنین یافته‌های پژوهش نشان دادند که

امورات مذهبی و داشتن دلبستگی به خدا، عامل مهمی جهت ارتقا بهزیستی روان‌شناختی است. داشتن حس شرم و پشیمانی از انجام گناه، در صورت انجام آن می‌تواند از تکرار آن جلوگیری کند که خود باعث احساس مفید و ارزشمند بودن به فرد می‌دهد که می‌تواند به افزایش بهزیستی روان‌شناختی فرد شود.

نتیجه‌گیری

کسانی که دلبستگی مطلوبی به خدا دارند، از بهزیستی روان‌شناختی مطلوبی برخوردارند. همچنین تحلیل نتایج نشان داد که بین احساس شرم و گناه با بهزیستی روان‌شناختی و دلبستگی به خدا رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. بنابراین می‌توان گفت که دلبستگی به خدا و احساس شرم و گناه بر روی بهزیستی روان‌شناختی و سلامت روان اثرگذار است. در نهایت در ارتباط با تحقیق و محدودیت‌ها می‌توان بیان نمود که با توجه به دامنه محدود مشارکت‌کنندگان در این پژوهش از نظر سنی و نیز جغرافیایی، لازم است در تعمیم نتایج به سایر مناطق و گروه‌های سنی جانب احتیاط را رعایت نمود.

تقدیر و تشکر

این مقاله حاصل پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه یاسوج بود، که با حمایت مالی این دانشگاه انجام شد.

بین دلبستگی به خدا با احساس شرم و گناه رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد، به این معنی که هرکس دلبستگی ایمن و مطلوبی نسبت به خدا داشته باشد، از انجام کار اشتباه، احساس شرم و گناه می‌کند. تا حدودی با پژوهش مهدیه رئیسی هم‌خوانی دارد، وی در پژوهشی بین باورهای مذهبی و احساس گناه ارتباط مثبت و معنی‌داری دست یافته بود در حالی که بین باورهای مذهبی و احساس شرم رابطه معنی‌داری به دست نیامد. جوکار و همکاران (۱۸) به بررسی رابطه معنویت با احساس شرم و گناه پرداختند که بین معنویت و احساس گناه ارتباط مثبت و معنی‌دار وجود دارد یعنی هرچه فرد از معنویت بیشتری برخوردار است از انجام کار اشتباه احساس گناه بیشتری می‌کند. بررسی و شناسایی مشکلات دانشجویان از اهمیت فراوانی برخوردار است. در این میان شناسایی، بررسی و حل مشکلاتی که با بهزیستی دانشجویان ارتباط دارند اهمیت بسزایی دارند، چرا که دانشجویی که از یک طرف به فعالیت‌های متنوع آموزشی و مهارتی سر و کار دارد و از طرف دیگر وظیفه‌ای که در قبال مسائل اجتماعی و سیاسی جامعه خود دارد و نگرانی که نسبت به آینده شغلی خود دارد، مستعد فرو رفتن در بحران‌هایی است که نتیجه آن جز ضرر به خود و جامعه اش نیست. یکی از راه‌کارهایی که بتواند وی را از این بحران‌ها نجات دهد و در مقابل مشکلات بیمه کند، مذهب و دلبستگی به خداوند با بررسی تحقیق‌هایی در این زمینه می‌توان ادعا نمود که انجام

REFERENCES

1. Ryan RM, Deci EL. Self-regulation and the problem of human autonomy: does psychology need choice, self-determination, and will?. *Journal of Personality* 2006; 74(6): 1557-86.
2. Waterman AS. Reconsidering happiness: A eudaimonist's perspective. *The Journal of Positive Psychology* 2008; 3(4): 234-52.
3. Ryan RM, Deci EL. Living well: A self-determination theory perspective on eudemonia. *Journal of Happiness Studies* 2006; 9: 139-70.
4. Waterman AS. Reconsidering happiness: A eudaimonist's perspective. *The Journal of Positive Psychology* 2008; 3(4): 234-52.
5. Ryff CD, Keyes C, Shomtkin D. Optimal well-being empirical encounter of two traditional. *Personal Soc Psychol* 2002; 62: 1007-22.
6. Tangney JP, Wagner P, Fletcher C, Gramzow R. Shamed into anger?. The relation of shame and guilt to anger and self-reported aggression. *Journal of Personality and Social psychology* 1992 ; 62(4): 669.
7. Fabricatore AN, Handal PJ, Fenzel LM. Personal spirituality as a moderator of the relationship between stressors and subjective well-being. *Journal of Psychology and Theology* 2000; 28(3): 221.
8. Kashdan TB. The assessment of subjective well-being (issues raised by the Oxford Happiness Questionnaire). *Personality and Individual Differences* 2004; 36(5): 1225-32.
9. Argyle M, Hills P. Religious experiences and their relations with happiness and personality. *The International Journal for the Psychology of Religion* 2000; 10(3): 157-72.
10. Tangney JP. Conceptual and methodological issues in the assessment of shame and guilt. *Behaviour Research and Therapy* 1996; 34(9): 741-54.
11. Heydari A, Koroshniya H. The mediating role of psychological well-being in the relationship between Spiritual intelligence and happiness. *Quarterly Journal of Psychological Methods and Models* 2015; 6(21): 73-86.
12. Carr A. *Positive psychology: The science of happiness and human strengths*. Routledge, 2013.
13. Gilbert P. The relationship of shame, social anxiety and depression: The role of the evaluation of social rank. *Clinical Psychology & Psychotherapy* 2000; 7(3): 174-89.
14. Bakhshi Arjenaki B, Sharifi T, Ghasemi Pirbalouti M. Assessment the relationship of psychological well-being with religiosity attitude, self-esteem and psychological hardiness by Equation Structural Modeling among students of Islamic Azad and public universities in Shahrekord. *JHPM*. 2015; 4 (3) :60-69.
15. Varghese, Mary E. Attachment to God and psychological well-being: Shame, guilt, and self-compassion as mediators. Diss. Purdue University, 2015.
16. Okozi, Innocent F. Attachment to God: Its impact on the psychological wellbeing of persons with religious vocation. Seton Hall University, 2010.
17. Miner M. The impact of child-parent attachment, attachment to God and religious orientation on psychological adjustment. *Journal of Psychology & Theology* 2009; 2: 37.
18. Jowkar B. Kamall Relation between spirituality and the felling of shame and sin. *Jornal of Culture in The Islamic University* 2015;14(5): 4-23.
19. Beck, Richard, and Angie McDonald. "Attachment to God: The Attachment to God Inventory, tests of working model correspondence, and an exploration of faith group differences." *Journal of Psychology & Theology* 32.2 (2004).
20. Waterman AS, Schwartz SJ, Zamboanga BL, Ravert RD, Williams MK, Bede Agocha V, et al. The Questionnaire for Eudaimonic Well-Being: Psychometric properties, demographic comparisons, and evidence of validity. *The Journal of Positive Psychology* 2011; 5(1): 41-61.
21. Cohen TR, Wolf ST, Panter AT, Insko CA. Introducing the GASP scale: a new measure of guilt and shame proneness. *Journal of Personality and Social Psychology* 2011; 100(5): 947.
22. Ashori A, Habibi M. Child and Adolescents Psychiatry: Poster Presentations. *Iranian J Psychiatry* 2012; 7(4): 53.

Relationship Between Attachment to God with Psychological Wellbeing and the Mediating Role of Shame and Guilt

Khoramrooz SJ, Moltafet G*, Firoozi M

Department of psychology, Yasouj University, Yasouj, Iran

Received: 7 Aug 2017

Accepted: 2 Mar 2018

Abstract

Background & Aim: Well-being is a kind of positive feeling and general satisfaction of oneself and others in different areas having high welfare could lead to a more dynamic community. The purpose of this study was to investigate the relationship between attachment to God and psychological well-being due to the feeling of shame and sin.

Methods: The present study is a descriptive and correlational study carried out in the form of structural equations. The statistical population of which 284 students (120 boys and 164 girls) were selected by multi-stage random cluster sampling and were assigned to Krik Patrick's Attention Attachment Inventory (ATGI), Welfare Questionnaire Psychological (QEWB) Alan Watterman and GASP Questionnaire. data analysis by using of SPSS and ,Amos Software.

Results: Results of structure equation model showed that the measurement model had a good fitness with data and the results of structure model showed that attachment on God had a positive effect on psychological wellbeing and sense of shame and guilt. Also, the results of structural model showed that psychological well-being is influenced by attachment to God and feeling of shame and sin. So that the attachment to God directly affects the quality of well-being and with the coefficient 55%. It also affects the feeling of shame and sin. Also, the feeling of shame and sin negatively affects psychological well-being with coefficient 70% and the feeling of shame and sin can play a mediating role

Conclusion: These findings will make us aware of the factors of attachment to God and the feelings of sin and shame that affect well-being, and attachment to God can lead to increased psychological well-being.

Keywords: Attachment to God, Psychological well-Being, Feelings of Shame, Sin

*Corresponding author: Moltafet G, Department of Psychology, Yasouj University, Yasouj, Iran

Email: moltafet@yu.ac.ir

Please cite this article as follows:

Khoramrooz SJ, Moltafet G, Firoozi M. Relationship between Attachment to God with Psychological Wellbeing and the Mediating Role of Shame and Guilt. Armaghane-danesh 2018; 23 (1): 112-123.